

## اصول بنیادین استقلال قضات

نویسنده: سازمان ملل متحد

ناشر: بنیاد برومند

تاریخ انتشار: ۲۲ آذر ۱۳۶۴

نوع متن: قوانین بین الملل

اصول حاضر طی هفتمین اجلاس سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین که از ۲۶ اوت الی ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ در شهر میلان برگزار شد، به تصویب رسید و توسط مجمع عمومی طی قطعنامه ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و قطعنامه ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ مورد تأیید قرار گرفت

با توجه به این که، مردم سراسر جهان در منشور سازمان ملل متحد اعلام کرده‌اند که مصمم‌اند به ویژه شرایط لازم برای برقراری عدالت و تحقق همکاری بین‌المللی را با گسترش و ترغیب رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون هیچ تبعیضی ایجاد کنند؛

با توجه به اینکه اعلامیه حقوق بشر بر اصل برابری در مقابل قانون، اصل برائت، اصل دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاهی مستقل، بیطرف و قانونی، صحت گذاشته است؛

با توجه به این که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضامن تحقق این حقوق‌اند و علاوه بر این میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق بر دادرسی در مهلت معقول را تضمین می‌کند؛

با توجه به این که اغلب میان اهداف مورد نظر این اصول و آنچه اکنون در عمل انجام می‌گیرد فاصله بسیار است؛

با توجه به این که برنامه ریزی و مدیریت و اجرای عدالت در هر کشور، بایستی ملهم از این اصول باشند و برای تحقق کامل این اصول باید تلاش‌هایی صورت گیرد؛

با توجه به این که هدف مقررات مربوط به منصب قضایی باید ایجاد امکاناتی باشد که قضات بتوانند بر طبق اصول حاضر عمل کنند؛

با توجه به این که تصمیم‌گیری نهایی در مورد زندگی، آزادی‌ها، حقوق، تکالیف و اموال شهروندان بر عهده قضات است؛

با توجه به این که ششمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، در قطعنامه شماره ۱۶ خود برای پیشگیری از جرم و کنترل آن، از کمیته درخواست کرده است که تدارک اصول راهنما در خصوص استقلال قضات، گزینش، کارآموزی حرفه‌ای و جایگاه قضات دادگاه‌ها و دادرها را در ردیف وظایف اولویت‌دار خود قرار دهد؛

با توجه به این که بایستی ابتدا نقش قضات در نظام قضایی و اهمیت گزینش، کارآموزی و سلوک آنان در نظر گرفته شود؛

اصول راهنمای زیر به منظور کمک به کشورهای عضو جهت تضمین و پیشبرد استقلال قضات تدوین شده است؛ این اصول باید توسط دولت‌ها در چارچوب قوانین کشوری و رویه ملی مورد توجه قرار گرفته و محترم شمرده شود. همچنین بایستی توجه قضات، وکلا، قوه مجریه و قانونگذاران و عموم مردم را بدان جلب کرد. این اصول به ویژه برای قضات حرفه‌ای تدوین شده است، لیکن در صورت وجود قضات غیرحرفه‌ای، در مورد آن‌ها نیز جاری است.

## استقلال قضات

۱. استقلال قضات باید توسط حکومت‌ها تضمین شود و قانون اساسی یا قوانین دیگر داخلی باید بر آن صحت گذارند. احترام به استقلال قضات و رعایت آن، وظیفه همه نهادهای دولتی و غیر دولتی است.
۲. قضات در مورد اموری که به ایشان رجوع داده شده است باید بی‌طرفانه، بر اساس واقع و طبق قانون تصمیم‌گیری کنند و هیچ‌گونه محدودیت، اعمال نفوذ، تحریکات، فشار، تهدیدات، مداخلات ناموجه، چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم از جانب هر فرد و به هر دلیل، نباید آراء آنها را تحت تأثیر قرار دهد.
۳. قضات بر کلیه پرونده‌های قضایی احاطه دارند و حق تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت قانونی اشان در رسیدگی به یک پرونده، منحصرأ به خود آنها تعلق دارد.
۴. روال دادرسی باید بدون هرگونه مداخله ناموجه یا اعمال نفوذ طی شود. احکام قضایی دادگاه‌ها نباید مورد تجدید نظر قرار گیرند. این اصل خدشه‌ای به اصل تجدید نظر قضایی و حق قانونی مقامات ذی صلاح در کاهش یا تخفیف احکام قانونی قضات وارد نمی‌کند.
۵. هر کس حق دارد در دادگاهی عادی، طبق آیین دادرسی قانونی محاکمه شود. نمی‌توان دادگاهی را خارج از روال قانونی دادرسی تشکیل داد که دادگاه‌های عادی و قضایی را از صلاحیت دادرسی خود محروم کند.
۶. بر طبق اصل استقلال قضات، تضمین روال صحیح دادرسی و رعایت حقوق اصحاب دعوی در عین حال هم حق و هم وظیفه قضات است.
۷. کشورهای عضو موظف‌اند به منظور اینکه دستگاه قضایی بتواند به وظایف خود به نحوی صحیح عمل کند، منابع مالی لازم را تأمین کنند.

## آزادی بیان و شرکت در اجتماعات

۸. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر قضات چون دیگر شهروندان، از آزادی بیان، آزادی اعتقادات، آزادی شرکت در انجمن‌ها و اجتماعات برخوردارند؛ با وجود این، آنها باید همواره در اعمال این حقوق، چنان رفتار کنند که شأن منصب قضایی و بی‌طرفی و استقلال قضات محفوظ بماند.
۹. قضات بایستی در برپایی انجمن‌های خاص قضات یا هر انجمن‌دیگر و یا پیوستن به انجمن‌های موجود برای دفاع از حقوق خویش و ارتقاء دانش حرفه‌ای و پاسداری از استقلال قضایی خود آزاد باشند.

## صلاحیت، گزینش و آموزش

۱۰. اشخاصی که به منصب قضایی گمارده می‌شوند باید درستکار، با صلاحیت و برخوردار از آموزش‌های حرفه‌ای و دانش لازم حقوقی باشند. در روش‌های گزینش قضات باید موازینی در جهت ممانعت از انتصاب‌های برخلاف قاعده و نادرست پیش‌بینی شود. گزینش قضات باید بدون اعمال تبعیض از حیث نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، نسب یا موقعیت اجتماعی انجام گیرد؛ شرط دارا بودن تابعیت کشور ذیربط برای اشتغال به منصب قضایی اعمال تبعیض محسوب نمی‌شود.

## شرایط اشتغال و سنوات خدمت

۱۱. دوران خدمت قضات، استقلال آنها، امنیت، دستمزد مناسب، شرایط کاری، مستمری و سن بازنشستگی آنها باید توسط قانون تضمین شود.

۱۲. قضات، منتصب یا منتخب را تا زمانی که به سن لازم بازنشستگی یا پایان مدت اشتغال خود نرسیده‌اند، نمی‌توان عزل کرد.

۱۳. ترفیع شغلی قضات، در صورت وجود چنین رویه‌ای، باید مبتنی بر عوامل عینی، به ویژه صلاحیت، درستکاری و تجربه آن‌ها باشد.

۱۴. توزیع پرونده‌های قضایی میان قضات در حوزه قضایی که در آن خدمت می‌کنند، امری داخلی و به عهده دستگاه اداری دادگستری است.

### رازداری حرفه‌ای و مصونیت

۱۵. قضات در مورد آراء صادره خود و اطلاعات محرمانه‌ای که در جریان انجام وظیفه خارج از جلسه‌های علنی به دست می‌آورند، مکلف به رازداری حرفه‌ای‌اند و در این باره ملزم به ادای شهادت نیستند.

۱۶. قضات باید طبق قوانین داخلی در مقابل دعوی مدنی مبنی بر تقاضای جبران خسارت ناشی از تصمیم ناشایست و یا اهمال در انجام وظیفه از مصونیت شخصی برخوردار باشند. معهذاً این مصونیت نافی اعمال دادرسی انتظامی یا هرگونه حق تجدیدنظرخواهی یا حق برخورداری شهروندان از جبران خسارت توسط دولت نیست.

### تدابیر انتظامی، تعلیق و عزل

۱۷. هرگونه اتهام یا شکایت علیه قاضی مربوط به انجام وظیفه قضایی و حرفه‌ای او باید به سرعت و بی‌طرفانه بر طبق روال دادرسی قانونی مورد بررسی قرار گیرد. قاضی از حق دادرسی بی‌طرفانه برخوردار است. مراحل تحقیقات اولیه پرونده باید محرمانه بماند، مگر این که قاضی عکس آن را تقاضا کند.

۱۸. حکم تعلیق و عزل يك قاضی را نمی‌توان صادر کرد، مگر به دلیل عدم لیاقت و توانایی یا رفتاری که مانع از انجام وظیفه توسط او شود.

۱۹. در تمامی محاکمات انتظامی، تصمیمات مبنی بر تعلیق یا عزل باید با توجه به قواعدی که در باب سلوك قضات وضع شده است، اتخاذ شود.

۲۰. تصمیمات مربوط به تعلیق یا عزل انتظامی قضات باید مورد تجدیدنظر نهادی مستقل قرار گیرد. این اصل را می‌توان در مورد آراء صادره توسط دیوان عالی کشور یا قوه مقننه در چارچوب یک دادرسی شبه قضایی، جاری ندانست.